



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمانه: ۱۰ صبح ۱۴ دقیقه: ۹۰

شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷
رشته مطالعات زبان ورودی مهر ۹۷

مهر مدرسه

کتاب: کرامت	۳۹۷۱/۱۵
موضوع: فقه	۱۳۹۷/۱۰/۲۷
موضوع: اصول فقه	۱
کتاب: دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة»	
موضوع: جزء اول: درس ۳ تا ۱۶ (ص ۸۷-۲۲) و درس ۲۲ تا ۲۴ (ص ۱۲۶-۱۱۳)	

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مدرسه: شهر: استان:

۰/۵

۱- دلیل اشتراک احکام بین عالم و جاهل به نظر شهید صدر (ه) چیست؟ ص ۲۴

- الف. اجماع بر اشتراک احکام
- ب. اطلاق ادله احکام شرعی
- ج. تبعیت احکام از مصالح واقعی
- د. استحاله عقلی اختصاص حکم به عالم

۰/۵

۲- طبق نظر شهید صدر (ه) «قاعده فراغ» در کدام قسم از تقسیمات احکام قرار می گیرد؟ ص ۳۹ پ ۲

- الف. اصول عملیه محرزه
- ب. اصول عملیه بخته
- ج. احکام واقعی
- د. امارات

۰/۵

۳- آیا شارع می تواند حجیت «دلیل قطعی» را ابطال کند؟ ص ۸۵

- الف. بله - با تبدیل قطع طریقی به موضوعی
- ب. بله - بوسیله سلب حجیت از قطع
- ج. خیر - زیرا حجیت قطع ذاتی است.
- د. خیر - زیرا موجب لغویت می شود.

۰/۵

۴- در کدام مورد «مدلول تصدیقی جدی امر» طلب و وجوب است؟ ص ۱۲۱

- الف. امر الطیب للمریض بشرب الدواء
- ب. اغسل ثوبک من البول
- ج. استقبل القبلة بذیحتک
- د. أحسن بالوالدین إحساناً

۵- با توجه به عبارت «الأحكام الوضعية منها ما يكون موضوعاً لحکم تکلیفی و مجعولاً بالاستقلال و منها ما يكون منتزعاً عن الحکم التکلیفی و قد تثار شبهة لنفی الجعل الاستقلالی للقسام الأول بدعوى أنه لغو» شبهه لغویت و جواب شهید صدر (ه) بر آن را تبیین کنید.

۲

ص ۲۳ - ۲ نمره

جواب: شبهه لغویت: زیرا جعل حکم وضعی بدون حکم تکلیفی (که موضوع برای آن واقع شود) اثری ندارد و با وجود این حکم تکلیفی، دیگر نیازی به حکم وضعی نیست زیرا موضوع این حکم تکلیفی می تواند همان موضوعی باشد که موضوع برای جعل حکم وضعی واقع شده است. (۱ نمره) شهید صدر (ه): احکام وضعی قسم اول اعتباراتی با ریشه های عقلایی هستند که غرض از جعل این احکام تنظیم احکام تکلیفی و تسهیل صیاعه تشریعی است در نتیجه لغو نیست. (۱ نمره)

۶- مراد از عبارت «ان الاصول الجارية فی الشبهات الموضوعية تتصرف فی الاحکام الواقعية» را به همراه مثالی توضیح دهید. ص ۴۲ -

۲

۲ نمره

جواب: بنابر نظر برخی [مانند صاحب کفایه (ه)] اصول منقح موضوع مانند اصالة الطهارة در احکام واقعی مانند شرطیت طهارت برای نماز تصرف کرده، احکام واقعی را ضیق یا توسعه می دهند مانند اصالة الطهارة که حکم واقعی شرطیت طهارت لباس برای نماز را توسعه داده و لباس مشکوک الطهارة را نیز شامل می شود و اگر کسی در لباس مشکوک الطهارة نماز بخواند نمازش صحیح است واقعاً در نتیجه اگر بعداً به نجاست آن پی برد نیاز به اعاده و قضاء ندارد.

۷- با توجه به عبارت «و أما التكليف المنكشف بالقطع فلا يمكن ورود المؤمن من المولى بالترخيص الجاد في مخالفته لان هذا الترخيص

إمّا حکم واقعی حقیقی و اما حکم ظاهریّ طریقی و کلاهما مستحیل» وجه استحاله را در دو فرض مذکور بنویسید. ص ۵۲ - ۲ نمره

 ۲

جواب:

در صورتی که ترخیص، حکم واقعی باشد لازمه اش اجتماع دو حکم واقعی متنافی است البته در صورتیکه مقطوع مطابق واقع باشد و حتی اگر مقطوع مطابق واقع هم نباشد لازمه اش اجتماع حکمین متنافیین در نظر قاطع است (چون او احتمال نمی دهد قطعش مطابق واقع نباشد) و اگر ترخیص، حکم ظاهری باشد مسلماً در موارد قطع جاری نمی شود چون در موضوع حکم ظاهری شک اخذ شده است.

۸- دو معنای «اصابة» در عبارت «و حجية القطع لیست مشروطة بالاصابة باى واحد من المعنیین» را تبیین کرده، توضیح دهید چرا

 ۲

حجیت قطع مشروط به هیچ کدام از معانی نیست؟ ص ۶۱ - ۲ نمره

جواب: معنای اول: اصابة القطع للواقع به معنای اینکه آنچه که به آن قطع پیدا کرده، مطابق واقع است. معنای دوم: اصابة القاطع فی قطعه به این معنا که قاطع این قطع را از طریق موجه همگانی بدست آورده است (و متأثر از حالت شخصی نیست) اما مشروط به اصابه به معنای اول نیست زیرا قطع به تکلیف موضوع حق الطاعة است نه قطع مطابق با واقع و هم چنین مشروط به اصابه به معنای دوم نیست زیرا عدم تحرکی که از قطع ذاتی (غیر حاصل از طریق موجه همگانی) حاصل می شود، مانند عدم تحرک ناشی از قطع موضوعی است از جهت اهانت به مولى و لذا جایز نیست. و تحرک نیز در هر دو، وفا به حق مولى است.

 ۲

۹- نظر محقق نائینی^(۵) و محقق خوئی^(۵) در مورد حجیت مثبتات امارات را با دلیل بررسی کنید. ص ۷۳ و ۷۴ - ۲ نمره

جواب: محقق نائینی^(۵) با توجه به مبنایشان در تفسیر حکم ظاهری در امارات که مفاد دلیل حجیت اماره را جعل علمیت می داند پس کل آثار علم مترتب می شود و از شؤون علم به چیزی، علم به لوازم آن چیز است از این رو مدلولات التزامی امارات را حجت می داند. ولی آیه الله خویی^(۵) مثبتات امارات را حجت نمی داند، زیرا شارع با حجیت بخشیدن به امارات آن ها را تعبدا علم اعتبار می کند، لذا به مقداری که شارع ما را متعبد می کند اثر بر مؤدی مترتب می کنیم و این گونه نیست که مانند علم وجدانی همه لوازمش بر آن مترتب شود.

۱۰- با توجه به عبارت «کل طلب لایقترن بالترخیص فی المخالفة یحکم العقل بلزوم امثاله، و بهذا اللحاظ یتصف بالوجوب» نظر محقق

 ۲

نائینی^(۵) را در مورد «دلالت امر بر وجوب» را توضیح داده، یک نقد بر نظر ایشان ارائه دهید. ص ۱۱۴ و ۱۱۵ - ۲ نمره

جواب: توضیح نظر مرحوم نائینی^(۵): مدلول امر، فقط طلب است در نتیجه وجوب، مدلول لفظی امر نیست. هر طلبی که از مولا صادر شود و مقرون به ترخیص مولا در مخالفت آن نباشد عقل حکم به لزوم امثال آن امر می کند و امثال امر واجب می شود و اگر از جانب مولا ترخیصی صادر شود عقل حکمی به لزوم موافقت نمی کند و امثال امر مستحب می شود. (۱ نمره)

نقد شهید صدر^(۵): موضوع حکم عقل به لزوم امثال، فقط صدور طلب بدون اقتران ترخیص نیست زیرا گاهی اوقات طلبی بدون اقتران ترخیص صادر می شود ولی چون مکلف می داند این طلب از ملاک غیر لزومی صادر شده است عقل حکم به امثال نمی کند پس وجوب عقلی فرع مرتبه معینه از ملاک طلب است [باید ملاک مرتبه شدید باشد] و چون کاشفی جزء دلیل لفظی موجود نیست باید وجوب را از لفظ اخذ کنیم در نتیجه از مدالیل لفظیه می باشد. (۱ نمره) [دو نقد دیگر در کتاب]